**حقوق اداری:** حقوق اداری یکی از شاخه های حقوق عمومی به بررسی قواعد و مقررات حاکم بر اشخاص حقوقی عمومی(سازمان های اداری) و مامورین آنها و ارتباشان با مردم می پردازد. این رشته از جوان ترین شاخه های علم حقوق و منشا تغییر نگرش حکومتی در زمان انقلاب فرانسه بود بطوری که علاوه بر حفظ مالکیت فردی ، تنظیم روابط اشخاص و ادقام نیروی نظامی در دولت به موضوعاتی چون خدمات عمومی و پلیس می پرداخت.از قواعد و مقررات در این رشته می توان به نتظیم روابط بین مردم با نهاد ها و و سازمان ها ، عهده داری امور عمومی و مامورین آنها اشاره کرد.

**تعریف حقوق اداری:** حقوق ادارای با توجه به تعریف اداره از دو مفهوم مادی و سازمانی تشکیل شده است. مفهوم مادی ، مجموعه فعالیت ها و کارها به منظور حفظ نظم عمومی و یا خدمات عمومی توسط اشخاص با حقوق عمومی (فعل اداره کردن امورعمومی)، با هدف ایجاد نظم عمومی (پلیس اداری) و یا تامین خدمات همگانی (خدمات عمومی) است و مبناهای رفتار سیاسی مانند، وضع و تدوین قواعد کلی (عمل قانون گذاری)، اعمال قضایی قوه قضاییه و امور حاکمیتی قوه مجریه درحیطه این مفهوم قرار نمی گیرد. مفهوم سازمانی نیز، شامل مجموعه تشکیلات و سازمان ها با وظایف خاص است. بنابراین اداره را به صورت ، مجموعه فعالیت ها و نهاد ها، که مامورین عمومی از طریق آن امور تضمین کننده منافع عمومی را محیا می کنند و در صورت نیاز از اختیارات و امتیازات عمومی برخوردار می شوند ، مفهوم می شود.حال با توجه به مفهوم اداره ، حقوق اداری را می توان بصورت ، مجموعه ای از مقررات حقوقی مجزا از قواعد حقوق خصوصی که حاکم بر فعالیت اشخاص با حقوق عمومی و با امتیازات و قدرت عمومی با مردم د ارتباط است ، تعریف کرد.

**ویژگی های حقوق اداری:** 1**-** رشته ای جدید و نوین (متاثراز تلاقی حاکمیت عمومی دولت در جامعه و گسترش روابط اجتماعی و توسعه جوامع انسانی در قرن نوزدهم و بیستم در کشور ما)2-دارای عدم قواعد و مقررات اداری مدون (عدم قواعد و مقررات به دلیل تنوع و وسعت وظایف و کارهای اداری) 3- مقررات حاکم برحقوق اداری از میان قوانین ، آیین نامه ها، بخش نامه ها و رویداد ها بدست می آید.4- زیرمجموعه ای از حقوق عمومی داخلی(مبنای قواعد و مقررات ، براساس روابط بین اشخاص با حقوق عمومی ، با دیگران و یا اشخاص خصوصی) علم حقوق از لحاظ ریشه یابی به دو شاخه حقوق عمومی و حقوق خصوصی و از نظر هویتی به دو دسته حقوق داخلی (دومستیک) و بین المللی تقسیم می شود.5- رشته ای مستقل(نفی پیوندهای خود با سایر رشته های حقوقی)6- دارای امتیاز قدرت عمومی(اشخاص خصوصی نیز عضوی از جامعه اند و مکلف بر رعایت تصمیمات سازمان های اداری)

**منابع حقوق اداری:** قانون بعنوان مهم ترین و اساسی ترین منبع حقوق اداری در کشورما، شامل مراتب زیر است:

**الف) قانون اساسی:** مبنا و اساس حقوق اداری است زیرا ، منبع مستقیم و یا غیر مستقیم کلیه صلاحیت های اداری (حدود وظایف و اختیارات مقامات عالیه نظام اداری) بوده و همچنین شامل برخی از اصول بنیادی در رابطه با اعمال اداری است. (مانند اصل های 6 ، 57 ، 70 ، 113 الی 142)

**ب) قوانین عادی:** عام الشمول و لازم الاجرا توسط قوه مقننه و منابع مهم حقوق اداری ، به علت تنوع قوانین و تغییرات متداوم آنها (ویژگی دوم حقوق اداری) است و با وجودی که از منابع مهم حقوق اداری به حساب می روند ، همواره مشکلاتی را از این جهت برای علما و پژوهشگران در بردارد.از برخی قوانین عادی حاکم بر موضوعات حقوق اداری می توان به قانون استخدام کشوری و مدیریت خدمات کشوری ، قانون رسیدگی به تخلفات اداری ، قانون دیودان عدالت ادری و قانون تشکیلات ، وظایف و اختیارات شورای اسلامی و انتخاب شهرداران اشاره کرد.

**ج) مصوبات دولتی:** مقرراتی که توسط مقامات قوه مجریه تحت عنوان آیین نامه وضع می شود و قواعد کلی لازم الاجرایی است ، برای افرادی که بطورعام و عینی ایجاد تکلیف می کنند و به علت جنبه عام و کلی آنها و قرارگیری افراد در شرایط و وضع مشابه می توانند حکم قانون به خود بگیرند.آیین نامه ها به دودسته اجرایی و مستقل تقسیم می شوند. آیین نامه اجرایی نظم و مقررات آن بر مبنایی است که مقامات ذی صلاح اداری زیر نظر قانون گذار جهت تکمیل یا شرح جزئیات قانون مصوب ، وضع می کنند. مقامات ذی صلاح شامل: رئیس جمهور و هیئت وزرا ( آیین نامه صادره از طرف یک وزیر آیین نامه وزارتی و یک عمل حقوقی عام و عینی است ، آیین نامه هیئت وزرا را تصویب نامه می نامند که می تواند عمل حقوقی عام یا خاص باشد)، استانداران و فرمانداران ، موسسات عمومی (مانند دانشگاه تهران و بانک مرکزی)، شوراهای شهر، بخش ، شهرستان و استان و همچنین شوراهای اداری هستند. وضع آیین نامه اجرایی به موجب قانون بطور صریح یا ضمنی به قوه مجریه آثار حقوقی چون ، ایجاد مسئولیت برای مقامات اداری در صورت عدم اجرای آیین نامه و قابلیت اجرا قانون بلافاصله بعد از تصویب دارد مگر این که در خود قانون مبنی براجرایی بودن متناسب با وضع آیین نامه یا عدم میسر بودن بدون آیین نامه درج شده باشد. آیین نامه مستقل نیز ، توسط مقامات صلاحیت دار اداری که از طرف قانون گذار ماموریت خاص دریافت نکرده اند ومسئولیت آنها به موجب قانون اساسی در اجرای قوانین و مقررات و حفظ نظم و اداره عمومی است ، وضع می شود. این آیین نامه ناشی از ماهیت وظایف اجرایی قوه مجریه و دارای اختیارات نسبی ، محدود و با شرط عدم وجود مورد در داخل صلاحیت قوه مقننه امکان پذیر است. صلاحیت های اختصاصی قوه مقننه شامل تعیین حدود حقوق و آزادی های عمومی ، تعیین ضوابط مالکیت شخصی ، تصویب بودجه کل کشور، تصویب مالیات ها ، تعیین جرایم و مجازات ، ایجاد وزارت خانه ها ، تاسیس دادگاه و اعلان جنگ است. تصویب این آیین نامه ها تنها در صلاحیت هیئت وزرا است. شرایط صحت و اعتبار آیین نامه های اداری ، عدم دخالت در صلاحیت ویژه قانون گذار، عدم نقض قانون اساسی و یا قوانین عادی و صادر شدن توسط مقامات صلاحیت دار است. آیین نامه باید مکتوب ، مورخ ، امضا شده توسط مقام صالح اداری باشد و ازآنجا که درحکم قانون است ، باید از طریق درج در روزنامه رسمی کشور و یا به وسیله مناسب دیگر به اطلاع عموم برسد. روش های نظارت بر تصویب و اجرای آیین نامه های اداری ، به دو روش نظارت پارلمانی و نظارت قضایی است که نظارت پارلمانی شامل تشخیص عدم مغایرت با اصول و احکام مذهب رسمی و یا قانون اساسی توسط شورای نگهبان با توجه به اصل 96 است و توسط رئیس مجلس بررسی و اعلام عدم مغایرت می گردد و نیازی به صلاحیت دیوان عدالت اداری دراین موضوع وجو ندارد. عدم رسیدگی به ایراد وارده بر آیین نامه توسط هیئت وزرا در مدت زمان مذکور باعث بی اثر شدن تمام یا قسمتی از مورد مغایر می شود. در نظارت قضایی ، دیوان عدالت اداری جهت رسیدگی به دعوی و شکایات اداری با نظارت بر مطابقت آیین نامه ها و تصمیمات و اقدامات اداره قوه مجریه با قوانین کشورامکان پذیر است.

**سایر منابع حقوق اداری:** معاعدات بین المللی (مطابق با تشریفات مقرر در قانون اسلامی و تصویب مجلس شورای اسلامی)، رویه قضایی (به عنوان مهم تربن منبع حقوق اداری پس از قانون ، با تشکیل دیوان عدالت اداری)، عرف (از منابع مستقیم حقوق در سایر رشته ای حقوقی و جهت تشخیص نحوه اجرای قوانین قابل اعتنا برای حقوق اداری)، اصول کلی حقوق ( اصل حاکمیت قانون ، اصل سلسله مراتب و قاعده عطف بماسبق نشدن نصمیمات مقامات اداری

**اصل حاکمیت قانون:** ریشه در دموکراسی دارد و یکی از اصول بلامنازع حقوق عمومی است. منظور از آن قرارگرفتن اعمال و رفتار زمامداران و مسئولین در حیطه قانون است. از آثار آن می توان به عدم عمل سازمان های اداری و مامورین ، مغایر بر قانون (به معنای عام) ، تصریح صلاحیت و اختیارات سازمان های اداری و مامورین دولتی در حیطه کار قانون گذار و ایجاد ضمانت اجرایی حقوقی برای ، حقوق و تکالیف افراد سازمان های اداری بصورت نظارت قضایی و اداری مبنی بر اصل سلسله مراتب اداری و وجود نهاد های بازرسی داخل و هیئات رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان خدامت دولتی

**اصل سلسله مراتب اداری:** رابطه بین مافوق و مامور مادون که نتیجه آن یکسانی در اتخاذ تصمیمات اداری واجرای آنهاست و در حین حال می تواند موجب عدم استقلال واحدهای اداری و مامورین دولتی و اطاعت کوکورانه از مافوق شود.

**مبانی حقوق اداری:**

**الف) نظریه خدمات عمومی:** بصورت انحصاری به منظور تامین نیاز های همگانی با تصویب قانون گذار و توسط دولت ارائه می گردد. مطابق این دیدگاه تمامی فعالیت های دولت به منظور ارائه خدمت عمومی انجام می شود. این خدمات به سه شکل ، خدمات عمومی اداری ، خدامت عمومی صنعتی و تجاری و خدمات عمومی حرفه ای و اجتماعی است.

**خدمات عمومی اداری:** به منظور رفع نیاز های همگان که تابع حقوق اداری است. (مانند خدامت بهداشتی و آموزشی)

**خدمات عمومی صنعتی و تجاری:** به منظور تولید کالا و با خدمات و یا مبادله کالا و خدمات که بر مبنای دو معیار موضوع فعالیت (تولید و با مبادله کالا و خدمات) و نوع فعالیت (فعالیت اشخاص با حقوق خصوصی) این خدمات تابع حقوق خصوصی است.

**خدمات عمومی حرفه ای و اجتماعی:** فعالیت های اتحادیه های صنعتی ( مانند نظام پزشکی ، نظام مهندسی ، کانون وکلا) و یا نهادهای اجتماعی ( مانند انجمن های خیریه) که نابع حقوق مختلط اند.

از انتقادات وارد بر نظریه خدامت عمومی ، می توان گفت: در صورت پذیرش اعمال قانون گذاری و قضایی در برخی نیازها و مصالح جمعی جزء خدمات عمومی فرض می شود. زیر سوال رفتن مفهوم سازمان سازی ، بطوریکه اداره شدن فعالیت های سازمان های اداری باخدمات عمومی توسط اشخاص با حقوق خصوصی مانند مدارس دولتی و مدارس غیر انتفاعی که تنها فعالیت مدارس دولتی جزء تابع حقوق اداری است. با توجه به گذر زمان که موجب تغییر مفهوم های خدمات عمومی است ، اموراتی که خود تابع عنصر زمان و مقتضیات آن هستند را نمی توان مبنای فعالیت تابع حقوق اداری قرار داد. مثل موضوعات و مسائل مربو به ورزش دربرخی سازمان های عمومی که تا گذشته جزء خدمات عمومی نبودند ، اما امروزه به اهمیت آن افزوده شده است.

**ب) نظریه منافع عمومی**

**ج) نظریه قدرت عمومی**

**د) نظریه تعدد مبانی** (تلفیق موارد قبل)